

نویسنده: حکیم نعیم

تاریخ ۰۱/۰۱/۲۰۰۸

پاکستان، تروریزم و اهرام مخفی قدرت

فضای اختناق، ترور، وحشت و ترس بعد از ۱۱ سپتمبر به همان اندازه که به دیکتاتوران پیدا و پنهان جهان کمک کرده است، به پیمانانه وسیعی هم بقای نسل انسان در جهان را تهدید میکند. ۱۱ سپتمبر نقطه آغاز یک پروژه بزرگ تندروانه از طرف گروه های که سالهاست در راستای سلطه جویی در جهان فعالیت میکنند، میباشد. از بین بردن امید به آینده و بی ثبات ساختن مناطق که خطرناک خوانده میشوند، از اهداف محوری برای تطبیق این پروژه بشمار میرود. آنهای که در تبتانی با اهرام مخفی قدرت صاحبان اصلی این استیلاگرایی مخفی خوانده میشوند، مجبور بودند که دنیا را به یک جنگ تمام عیار خوب و بد، سیاه و سفید که در هر دو طرف دست های پنهانی خود شان موجود است، با چاشنه مدنیت و مذهب بکشانند.

کتابی که تحت عنوان، جدول زمانی ترور، به کوشش و گرداننده گی آقای پاول تامسن و مرکز پژوهش تعاونی به چاپ رسیده است، تمامی اخبار مربوط به اسامه، ۱۱ سپتمبر و واکنش امریکا به آن، افغانستان، پاکستان و شرق میانه را که در رسانه های خبری معتبر دنیا انتشار یافته است، تاریخ وار، بدسترس خواننده گان قرار داده است. همانطوریکه که آشکار است در هر خبر، مقاله و مطلب یک راز پنهانی نهفته است. اگر نقاط راز دار اخبار مربوط به ۱۱ سپتمبر و ترور دولتی را با هم وصل کنیم، میتوانیم به عمق سخنان آقایان بوش و بلر به مثابه سخنگویان اهرام مخفی قدرت جهان که درست در نخستین روز های بعد از ۱۱ سپتمبر گفته بودند، "جنگ بر علیه تروریزم یک جنگ طولانی خواهد بود که شاید هم چندین دهه داوام کند و تنها به یک کشور محسوس نمیشود."، به ساده گی پی ببریم. تنها میشود به سخنان آقای جرمی سکاحیل نویسنده کتاب مشهور "بلک و اتر" اشاره کرد که در کنفرانسی گفته است، "مناطق ایرا که ادعا میشود پناه گاه های تروریست هاست، سالها تحت تسلط دولت بریتانیا قرار داشت و انگلیس ها با تمام خصوصیات مردمان آن به خوبی آشنا هستند. و همچنان نام اکثریت از رهبران قبائل و وابسته گان نزدیک شان که در دو طرف خط دیورند زنده گی میکنند در لیست معاش سیا موجود است. ویا رسول سیاف، استاد و پدر معنوی خالد شیخ محمد کسی که پلان کننده و تنظیم کننده حادثه ۱۱ سپتمبر خوانده میشود، یکی از رهبران قدرت مند افغانستان است. بناً جنگ با تروریزم مضحکه ای بیش نیست و فقط و سیله ایست برای رسیدن به اهداف پروژه تسلط به جهان."

پاکستان از کشور های محوری در این پروژه خونین استعماری به شمار میرود. سردمداران قدرت در پاکستان با تکیه به اینکه هر ماجراجویی پنهانی به نفع پاکستان است، آگاهانه و یا نا آگاهانه در گودال تزویر اهرام قدرت جهانی گیر افتاده اند. نقش ای اس ای پاکستان که محصول سرمایه گذاری مستقیم قدرت جهانی در منطقه است، در حادثه ۱۱ سپتمبر آنقدر برجسته بود که درست چند روز بعد از ۱۱ سپتمبر چندین رسانه معتبر خبری از ارتباط مستقیم ای اس ای با "تروریستان" حملات ۱۱ سپتمبر خبر دادند. حتی وال ستریت ژورنال که همیشه به طرفداری دولت

پاکستان در جدال های منظوقی نشرات داشته است، به تاریخ ۱۰ اکتوبر ۲۰۰۱ نوشت که " جنرال محمود احمد رئیس ای سی ای، ارتباط مستقیم با سعید شیخ مسول مالی حملات ۱۱ سپتمبر داشت و طبق هدایت جنرال محمود سعید شیخ به مبلغ صد هزار دالر امریکایی به محمد عطا ارسال داشته است. و بنابر فشار دولت امریکا جنرال محمود از وظیفه اش برکنار شده است." (۲) بعد از آن، اخبار و اطلاعات مربوط به ارتباط ای اس ای با حملات ۱۱ سپتمبر در هیچ جای دیگر به شمول اسناد دولت امریکا در مورد ۱۱ سپتمبر که به دسترس عامه قرار گرفته است، انتشار نیافت ولی شاید در آینده نزدیک در پروسه بی ثبات ساختن پاکستان مورد استفاده قرار گیرد.

هر چند باید قبل از آغاز بی ثبات ساختن پاکستان باید جنگ با ایران آغاز میشد؛ فقط اهرام پنهانی قدرت نتوانستند افکار عمومی کشور هایشان را که یگانه رقیب خود میخوانند، به جنگ در مقابل ایران آماده سازند. با بی ثبات ساختن پاکستان بر علاوه اینکه میتوان کنترل سلاح های اتمی پاکستان را بدست آورد، که هر چند سرو صداهای در این زمینه شنیده میشود که باید کنترل سلاح های اتمی پاکستان به ناتو واگذار شود، نیز میتوان ایران را یگانه عامل بی ثباتی در منطقه نشان داده به آسانی اشغال کرد.

با تکیه به آنچه که گفته آمدیم، خانم بینظیر بوتو یکی از قربانیان پروژه بی ثباتی پاکستان که خود هم ناآگاهانه در آن نقش داشت، میباشد. او باید کشته میشد زیرا نتوانست و یا شاید هم اجازه نیافت تا به مانند نیکلای سارکوزی، که حتی توانست از طالبان هم در مبارزه انتخاباتی اش استفاده کند (۳)، در تبنانی با باداران قدرت مند جهانی اش هوشیارانه عمل کند. قتل خانم بوتو بدون شک نقطه عطفی که زوال پاکستان و حتی تجزیه پاکستان را در قبال خواهد داشت، در تاریخ معاصر پاکستان خواهد بود.

جا دارد، نوشته شود که هر چند در آینده بسیار نزدیک شاهد یک نوار ویدیوی یا صوتی یکی از رهبران (!) مشهور و به ظاهر اسلام گرا که قتل خانم بوتو را به عهده خواهد گرفت، خواهیم بود، ولی ای کاش فضای مساعد سیاسی- امنیتی وجود میداشت که یک تحقیق بی طرفانه در مورد ارتباط خروج دو دیپلومات کهنه کار اروپائی از افغانستان که سالهاست فعالیت های پنهانی را به پیش میبردند، با حادثه ترور خانم بوتو صورت میگرفت. آنهای که سالهاست برای دوستان شان (!) امکانات مالی و استراتژی سیاسی - نظامی فراهم میکردند، چرا و چطور به یک باره گی باید افغانستان را ترک میگفتند؟ جواب واقعی به این سوال کمک خواهد کرد تا زاویای تاریک قتل خانم بوتو روشن گردد.

یادداشت ها:

(۱) در راپور رسمی کمیسیون ۱۱ سپتمبر دولت امریکا آمده که "سیاف استاد و پدر معنوی خالد شیخ محمد تنظیم کننده و پلان کننده حملات ۱۱ سپتمبر بوده است.

(۲) Paul. The Terror Timeline. Neu York : HarperCollins·Thompson ۲۰۰۶.

(۳) آقای سرکوزی در جریان مبارزات انتخاباتی اش به کرات اظهار داشت که در صورت پیروزی نیروهای فرانسوی را از افغانستان خارج خواهد ساخت. جالب است که درست در زمان انتخابات فرانسه طالبان چند تن از

شهروندان فرانسوی را به گروگان گرفته بودند و خواهان خروج نیرو های فرانسوی از افغانستان بودند. حتی یکبار طالبانی که به قول خودشان انتخابات و دموکراسی را معادل کفر و الحاد میخوانند، اعلان کردند که به خاطر احترام به انتخابات فرانسو ضرب الاجل تعیین شده برای گروگانان فرانسوی را تمدید کرده اند. و بعد از انتخاب آقای سارکوزی گروگانان فرانسوی خاموشانه رها شدند.